

بررسی فقهی نسب جنین اهدایی*

سکینه نصرآبادی**

علیرضا پوراسماعیلی (نویسنده مسئول)***

چکیده

اهدای جنین به زوجین نابارور یکی از روش‌های جدید درمان ناباروری است. در این روش، نخست اسپرم و تخمک زوجین گرفته می‌شود و در محیط آزمایشگاه لقاح صورت می‌گیرد. پس از لقاح و شروع تقسیم تا مرحله هشت سلولی، جنین حاصل به رحم زن متقاضی جنین منتقل می‌شود و در رحم زن متقاضی به رشد خود ادامه می‌دهد. چنین کودکی پس از تولد دارای دو مادر و در برخی موارد دارای دو پدر خواهد بود، زیرا از یک سو زن و مرد صاحب اسپرم و تخمک، پدر و مادر حقیقی کودک به شمار می‌آیند که منشاء تکون او هستند و به لحاظ ژنتیکی نیز فرزند متعلق به آنان است، از سوی دیگر، نقش زوجین دریافت‌کننده به ویژه زن دریافت‌کننده جنین در پرورش و تکامل جنین را نباید از نظر دور داشت و به این زن به چشم بیگانه نگریست. قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور (مصوب ۱۳۸۲) ضمن مجاز شمردن روش اهدای جنین، صرفاً به وظایف و تکالیف زوجین اهداء-گیرنده جنین اشاره می‌کند و مقرر می‌دارد: «وظایف و تکالیف زوجین اهداء-گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». بنابراین قانون مذکور درباره نسب، مقرره‌ای پیش‌بینی نمی‌کند. این مقاله با توجه به اهمیت نسب جنین اهدایی و وابستگی سایر حقوق به آن صرفاً به موضوع نسب پدری و مادری جنین اهدایی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: جنین اهدایی، حقوق، نسب پدری، نسب مادری.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۳۱- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰.

** کارشناس ارشد حقوق خانواده، گروه حقوق واحد سبزوار دانشگاه آزاد اسلامی /

sakineh.nasrabadi@yahoo.com

*** استادیار حقوق خصوصی گروه حقوق دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری /

a.pouresmaeili@hsu.ac.ir



مقدمه

ناباروری یکی از مشکلات اساسی برخی از زوجین است که با پیشرفت‌های علمی صورت گرفته و کشف راه‌های درمان ناباروری امیدهای تازه‌ای برای درمان آن ایجاد شده است و زوجین نابارور با استفاده از این روش‌ها دیگر از نداشتن فرزند رنج نخواهند برد و از سرزنش خویشان و نزدیکان دور و نزدیک که به خلاف اخلاق و آیین انسانی در زندگی دیگران به اشکال مختلف دخالت می‌کنند، در امان خواهند بود.

پیشرفت‌های اخیر پزشکی نه تنها به زوج‌های نابارور این فرصت را داده است که دارای فرزند شوند، بلکه باعث می‌شود احساس مادر بودن و پدر بودن را نیز داشته باشند. انتقال جنین، یکی از شیوه‌های درمان ناباروری است که در آن جنین حاصل شده از تخمک و اسپرم زوجین شرعی در محیط آزمایشگاه بعد از شروع به تقسیم تا مرحله هشت سلولی به رحم زن متقاضی جنین انتقال داده می‌شود. در این روش فقط از سلول تخمک و اسپرم زوج شرعی استفاده می‌شود و افراد فاقد رابطه زوجیت شرعی یا مجرد، حق اهدای تخمک و اسپرم و نیز دریافت جنین را ندارند. قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور (مصوب ۱۳۸۲) ضمن مجاز شمردن این روش، وظایف و تکالیف زوجین اهداء-گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام را نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر می‌داند و درباره نسب مقررهای پیش بینی نمی‌کند، درحالی‌که نباید از یاد برد که در خلقت جنین اهدایی، دو زن و مرد دیگر نیز نقش دارند؛ زن و مرد صاحب اسپرم و تخمک را نیز می‌توان پدر و مادر حقیقی کودک به شمار آورد، زیرا آنان نیز منشاء تکون کودک هستند و به لحاظ ژنتیکی نیز فرزند متعلق به آنان است. قانون در این رابطه و نیز در ارتباط با نسب طفل حاصل و رابطه او با زوجین دریافت‌کننده، ساکت است و به چند ماده مختصر اکتفا نموده است. از این رو در ادامه، نسب پدری و مادری جنین اهدایی بررسی می‌گردد.

نسب پدری جنین اهدایی

نسب در زبان عربی به معنای نژاد یا قرابت اجدادی، علاقه و رابطه بین دو شیء است. (سیاح، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۵۶) و در زبان فارسی به معنای نژاد، اصل و خویشاوندی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۴۵۲-۲۲۴۵۳)



دکتر امامی در تعریف نسب می‌نویسد: «نسب امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید و از این امر، رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفری که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد». (امامی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۵۱)

دکتر کاتوزیان در تعریف نسب می‌نویسد: «نسب، رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می‌کند». (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۱؛ شهیدی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۲۱) در این تعاریف تلاش شده تا تعریف فقها از نسب مد نظر قرار گیرد، زیرا به باور فقها، نسب منتهی شدن ولادت شخصی به دیگری مانند پدر و پسر، یا انتهای ولادت دو شخص به فرد سوم (مانند دو برادر و پدر) است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱: ۳۹۱)

بدین ترتیب منشأ تکوین جنین، اسپرم مرد و تخمک زن است و رضایت به انتقال جنین به این دلیل است که جنین به آنها منتسب و فرزند شرعی و قانونی آنها است و طفل متولد شده از این طریق، با زن صاحب رحم و شوهر وی هیچ‌گونه رابطه نسبی ندارد، بلکه رحم زن گیرنده محیطی مساعد برای پرورش جنین است و شوهر این زن نیز هیچ‌گونه نقشی در ایجاد جنین نداشته است، اگرچه در مورد محرمیت و ارث برخی قائل به احتیاط هستند. (نرم‌افزار آرای فقهی-قضایی)

البته با توجه به وضع قانون نحوه اهدای جنین و تصریح به مشروعیت اهدای جنین و نیز نظرات فقها و عدم ممنوعیت آن (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۹۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۲۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۶۱۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۷۱؛ صانعی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۵۹۲) لازم است تا نسب جنین اهدایی در دو بخش نسب پدری و مادری مورد بررسی قرار گیرد. در مورد منشأ انتساب فرزند حاصل از اهدای جنین به پدر بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. گروهی منشأ انتساب به پدر را قاعده فراش می‌دانند و گروهی سلول اسپرم که در ادامه هر دو دیدگاه بررسی می‌شود.

۱. انتساب جنین به صاحب فراش

جنین در لغت به معنای پوشاندن چیزی از حواس است و به فرزند در شکم مادر، از آن رو که پوشیده و پنهان است، جنین گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۹۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸: ۱۱۳) مراحل مختلف تکامل جنین از نظر علم پزشکی نام‌های مختلف دارد؛ دو هفته اول آبستنی، توده



رویانی یا رویان اولیه (embryonic mass) از هفته سوم تا هشتم، رویان (embryo) و از هفته نهم تا تولد، جنین (fetus) نامیده می‌شود. با وجود این، در زبان فارسی برای بیان همهٔ مراحل تکاملی از اصطلاح جنین استفاده می‌شود. (سلیمانی‌راد، ۱۳۷۲: ۳) مطابق بند (ب) مادهٔ اول آئین‌نامه اجرایی نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، «جنین نطفه حاصل از تلقیح خارج رحمی زوج‌های قانونی و شرعی است که از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز خواهد بود. این جنین می‌تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد». بنابراین، مطابق آیین‌نامه پیش‌گفته، جنین باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. جنین از لقاح خارج رحم یا آزمایشگاهی به وجود آید، بنابراین جنین‌های حاصل از لقاح داخل رحمی را شامل نمی‌شود.

۲. سلول‌های جنینی به وجود آورندهٔ این جنین باید متعلق به زوج‌های قانونی و شرعی باشد، بنابراین استفاده از جنین‌های حاصل از اسپرم و تخمک زن و مرد بیگانه یا غیر همسر از نظر این قانون ممنوع است.

۳. طول عمر این جنین حداکثر پنج روز از مرحله باروری است (در این مدت جنین از نظر علم پزشکی زیگوت (zygot) نامیده می‌شود)

۴. با توجه به قانون که جنین می‌تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد و با عنایت به اینکه انجماد جنین در مراحل اولیه تکثیر سلولی امکان‌پذیر است و در آیین‌نامه نیز بیان شده است که جنین اهدایی از مرحله باروری حداکثر پنج‌روزه خواهد بود، جنین به مفهوم علمی و طبی آن، که از هفته نهم باروری به بعد را شامل می‌شود نمی‌تواند مورد نظر قانون باشد و از نظر علمی، جنین مورد نظر قانون با مفهوم زیگوت و رویان انطباق دارد. (فیض‌الهی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۳)

قاعدهٔ فراش یکی از قواعد فقهی معروف است که از حدیث نبوی معروف «الولد للفراش و للعاهر الحجر» گرفته شده است و به موجب آن چنانچه انتساب طفلی به پدر مورد شک و تردید قرار گیرد با شرایطی، نسب آن طفل به پدر اثبات می‌گردد. (حر عاملی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۶: ۲۷۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۱۶۳)

این قاعده در مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ قانون مدنی ایران مورد تصریح قرار گرفته است:

طفل متولد در زمان زوجیت، ملحق به شوهر است، مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.



هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است، مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد، مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیشتر از ده ماه گذشته باشد.

تحقق فراش به دو چیز است؛ وجود عقد نکاح شرعی میان زوجین، خواه با عقد دائم و یا با عقد موقت و وجود امکان عقلی و شرعی. منظور از امکان عقلی آن است که عقل ایجاد جنین از نطفه شوهر را غیرممکن نداند، مثل اینکه مرد به تنهایی دو سال در سفر بوده است و در بازگشت زوجه حامله باشد و منظور از امکان شرعی تحقق سه شرط است؛ وقوع نزدیکی، گذشت حداقل مدت بارداری و عدم تجاوز مدت بارداری از حداکثر مدت حمل. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۶۹)

البته باید دانست که قاعده فراش زمانی در مقام اثبات نسب مشروع از امارات معتبر است که شک معتبر وجود داشته باشد، زیرا در صورت یقین به الحاق نسب، عمل به قاعده فراش تحصیل حاصل است و باوجود یقین به عدم الحاق نسب، عمل به قاعده فراش موضوعیتی ندارد. بنابراین قاعده فراش در زمان وجود شک معتبر است. این قاعده به نفع تحقق نسب بین فرزند حاصل با مرد صاحب فراش است و در صورت وجود رابطه نامشروع بین زن شوهردار با مرد اجنبی و حاملگی آن زن، با وجود رابطه بین آن زن و همسرش، فرزند حاصل به شوهر زن (صاحب فراش) منسوب و ملحق می‌شود نه بر مرد زانی. (طوسی: همان؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۶۸)

در مورد انتقال جنین نیز که زن و شوهر پذیرنده متقاضی جنین هستند، رابطه بین زوجین پذیرنده نیز محرز و مسلم است. مطابق قاعده فراش و روایت مبنای آن (الولد للفراش) در الحاق طفل به شوهر زوجین دریافت‌کننده جنین نباید هیچ تردیدی به خود راه داد، زیرا الحاق طفل حاصل به شوهر زن صاحب رحم کاملاً با قاعده فراش منطبق است، اما با توجه به اینکه در اهدای جنین ما یقین داریم امکان الحاق فرزند به صاحب فراش وجود ندارد، پس با این قاعده نمی‌توان پدر بودن شوهر زن صاحب رحم را ثابت نمود و او را پدر حقیقی و حقوقی جنین دانست، البته پدر حکمی خواهد بود.

۲. انتساب جنین به صاحب اسپرم

اکثریت قریب به اتفاق فقهای معاصر، مرد صاحب اسپرم را پدر شرعی و قانونی فرزند می‌دانند و در اثبات آن به دسته‌ای از آیات و روایات استناد می‌کنند.



الف) آیات

یکم) آیه دوم سوره انسان؛ یکی از آیات مورد استناد، آیه دوم سوره انسان است که در آن آمده است: «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ...؛ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم».

کلمه «نطفه» به معنای آبی اندک است و سپس استعمالش در آب ذکوریت حیوانات که منشأ تولید مثل است بر معنای اصلی غلبه یافته است. کلمه «امشاج»، جمع کلمه «مشیح» و یا «مَشَج» و یا «مَشَج» است و این سه کلمه به معنای مخلوط و ممتزج است و اگر نطفه را به این صفت معرفی کرده به اعتبار اجزای مختلف آن و یا به اعتبار مخلوط شدن آب نر با آب ماده است (طباطبایی، بی تا، ج ۲۰: ۱۹۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۳۵) که در اصطلاح پزشکی سلول تخم می گویند، یعنی اوولی (تخمک) که به وسیله اسپرم شوهر بارور شده و اولین سلول زنده انسان است. (رجحان، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۴)

دوم) آیات پنجم و ششم سوره طارق؛ در آیات پنجم و ششم سوره طارق، منشأ آفرینش انسان «ماء دافق» دانسته شده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ؛ انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است، از یک آب جهنده آفریده شده است».

منظور از ماء دافق، آبی است که با سرعت و فشار جریان داشته باشد که در اینجا منظور نطفه آدمی است که با فشار از پشت پدر به رحم مادر منتقل می شود و این جمله جواب از استفهامی تقدیری است که جمله مِمَّ خُلِقَ، آن را می فهماند: «و آن همین است که بعد از اندیشیدن، از خود می پرسد من از چه خلق شده ام؟ جوابش هم جمله مورد بحث است که می فرماید از آبی جهنده». (طباطبایی، بی تا، ج ۲۰: ۴۳۱) این تعبیر در کلام برخی دیگر از مفسران نیز دیده می شود: مقصود از ماء دافق آبی موسوم به منی است که در رحم زن ریخته می شود و فرزند از آن به وجود می آید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۱۵)

سوم) آیه هفتم سوره سجده؛ در آیه هفتم سوره سجده، منشأ آفرینش انسان، ماء مهین دانسته شده است: «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ؛ پس نسل او (انسان) را



از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید». ماء مهین (آبی بی‌ارزش) را می‌توان اشاره به نطفه دانست که آیه ۳۷ سوره قیامت هم به آن اشاره می‌کند: «آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود»^۱ که انسان اصلش از طین و نسلش از ماء مهین است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۴۴: ۴۲۰)

ب) روایات

سه روایت از اسحاق بن عمار و ابی‌البختری و عمرو بن عثمان از جمله مهم‌ترین روایاتی هستند که پدر را صاحب اسپرم معرفی می‌کند. مطابق روایت اسحاق بن عمار که از امام صادق (ع) نقل می‌کند، هرگاه مردی با همسرش جماع کند و پس آن زن با کنیزی مساحقه نماید که در اثر انتقال اسپرم به کنیز، آن کنیز باردار شود، فرزند ناشی از آن به مرد صاحب نطفه ملحق می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۸: ۱۷۰-۱۶۷) بنابراین در جنین‌هدایی چون اسپرم و تخمک مورد استفاده برای لقاح، متعلق به زن و شوهر است، میان صاحب اسپرم و کودک متولدشده رابطه‌ای تکوینی برقرار می‌شود و کودک فرزند او به حساب می‌آید و صاحب اسپرم نیز پدر کودک خواهد بود. (گرگی و دیگران، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۴۱)

برخی از مراجع تقلید و فقهای معاصر از جمله آیت‌الله بهجت، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مکارم شیرازی نیز با استناد به آیات و روایات پیش‌گفته، مرد صاحب اسپرم یا زوج اهداکننده جنین را پدر شرعی و قانونی فرزند حاصل می‌دانند (نرم‌افزار گنجینه آرای فقهی قضایی) پس ملاک پدر بودن عبارت است از اینکه کودک از اسپرم صاحب اسپرم به وجود آمده باشد. (مؤمن، ۱۳۸۰: ۴۱)

۳. انتساب جنین به صاحب فراش و صاحب اسپرم

با توجه به مطالب قبل، ثابت می‌شود که ممکن است دو مرد و دو زن در تکوین جنین شرکت داشته باشند؛ به این صورت که زن و شوهری که نمی‌توانند دارای فرزند شوند به دلیل عدم باروری زوجه یا کاهش میزان اسپرم مرد، ممکن است اسپرم مرد با اسپرم مرد دیگری مخلوط شود که این شیوه در کشور اجرا نمی‌شود و ممنوعیت دارد و پس از مخلوط شدن اسپرم‌ها، با تخمک لقاح صورت گیرد و به رحم زنی به جز زوجه

۱. «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيَّ يُمْنِيَّ».



منتقل شود. با این فرض، سؤال این است که در این صورت پدر فرزند متولد شده چه کسی است؟

برخی از صاحب‌نظران با نامشروع دانستن مخلوط کردن اسپرم شوهر با اسپرم اجنبی معتقدند پدر کودک باید حتماً صاحب اسپرم و صاحب فراش باشد. امام‌خمینی(ره) می‌گوید: «تلقیح نطفه غیر زوج جایز نیست؛ خواه زن شوهردار باشد یا نه، زوج و زوجه به آن راضی باشند یا نه» (امام‌خمینی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۷۱)

آیت‌الله گلپایگانی نیز به عدم جواز معتقد است: «تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه به نظر حقیر جایز نیست». (گلپایگانی، ۱۳۶۳: ۱۷۷) آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز قراردادن نطفه مرد در رحم زن اجنبیه و هم‌چنین جنین متکون از نطفه غیر زوج را جایز ندانسته‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹: ۶۰۲) آیت‌الله مکارم شیرازی نیز تلقیح نطفه مرد بیگانه را به زن شوهردار جایز نمی‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۳۶)

به باور این دسته از صاحب‌نظران، جنین انتقالی یا اهدا شده، متعلق به زن و مردی است که از آنها نشأت گرفته است و طبعاً فرزند حقیقی آنان بوده و به آنها محرم است؛ از آنها ارث می‌برد و تمام حقوقی که ولی یک فرزند نسبت به اولاد خود ملزم به رعایت است، مرد صاحب اسپرم مسئول آن است و انفصال اسپرم از صاحب نطفه و انتقال آن به زن ثالث موجب انفصال حق و حقوق نمی‌گردد و همان گونه که اگر طفلی را والدینش سر راه بگذارند یا به پرورشگاه بدهند، رابطه قطع نمی‌گردد، اینجا نیز چنین خواهد بود. همسر زن پذیرای جنین، پدر حقیقی و حقوقی جنین نیست، اما پدر حکمی است به این معنی که جنین اگر دختر باشد در حکم ربیبه یا دختر رضاعی او محسوب می‌شود و ربیبه یعنی دختر زن و دختر رضاعی زن بر مرد محرم است، اما به دلیل اینکه فرزند حقیقی و حقوقی وی نیست، از مزایای حقوقی بهره‌مند نخواهد شد. (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۸۳)

البته برخی از فقیهان معاصر نیز در خصوص رابطه محرمیت بین فرزند متولدشده از طریق انتقال جنین و شوهر زن صاحب رحم، به وجود رابطه محرمیت نظر داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۱۰) به این صورت که اگر فرزند متولدشده دختر باشد، ربیبه مرد تلقی می‌شود و با وی محرم است. (صانعی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۷۹)

نسب مادری

به دلیل اختلاف نظر درباره نسب مادری فرزند حاصل از اهدای جنین که گروهی مادر صاحب رحم را مادر طفل و گروهی مادر صاحب تخمک را مادر کودک می‌دانند، هر دو دیدگاه به‌طور جداگانه بررسی می‌شود.

۱. انتساب جنین به صاحب رحم

در مورد نسب جنین از جهت ارتباط جنین با صاحب رحم دو نظر وجود دارد:

الف) برخی از فقهای معاصر به دلیل عدم جریان قاعده فراش، نسب مادری و الحاق کودک به زن متقاضی کودک را دشوار می‌دانند، زیرا در صورتی که زوجه نابارور باشد و اسپرم شوهر با تخمک زن دیگری تلقیح شده باشد، یقینی است که تخمک زوجه نقشی در تکوین جنین نداشته است. افزون بر این، عرف نیز زوجه را منشأ تشکیل جنین نمی‌داند و شرع هم نظر عرف را درباره تعریف مادر پذیرفته است.

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید نفس عمل انتقال در صورت ضرورت جایز است و صاحب نطفه و تخمک، پدر و مادر اصلی و شرعی وی هستند و زن صاحب رحم مادر رضاعی وی بوده و بر فرض پسر بودن با وی محرم خواهد بود و شوهر رحم‌گیرنده نیز بر فرض دختر بودن جنین بر وی محرم است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۶۰۸)

ب) برخی مانند آیت‌الله خویی برای انتساب جنین به صاحب رحم به آیه دوم سوره مجادله استناد می‌کنند.^۱ این آیه به صراحت و به صورت حصری، فقط زنی را که بچه را به دنیا می‌آورد مادر معرفی می‌کند (موسوی خویی، ۱۴۱۶: ۳۲۰)

آیه ۱۴ سوره لقمان،^۲ آیه ۱۵ سوره احقاف^۳ و آیه ۶ سوره زمر^۱ نیز چنین برداشتی را تأیید می‌کند، زیرا این آیات به صراحت مادر را کسی می‌داند که بچه را در رحم خود

۱. الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نَسَاهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ؛ کسانی که از شما نسبت به همسرانشان ظهار می‌کنند آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی هستند که آنها را به دنیا آورده‌اند. (مجادله: ۲)

۲. وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرَ. (لقمان: ۱۴)

۳. وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا. (احقاف:





می‌پروراند و دوره بارداری بر عهده اوست و بنابراین، زن صاحب رحمی که بچه را به دنیا می‌آورد مادر تلقی می‌گردد.

در برابر این دیدگاه، می‌توان استدلال کرد که در برخی دیگر از آیات قرآن مادر به گونه دیگر تعریف شده است. از سویی همان گونه که گفته شد در آیات دوم سوره انسان و ۵۴ سوره فرقان، زنی که تخمک او منشأ شکل‌گیری اولیه کودک است، مادر معرفی شده است و زن دهنده تخمک مادر دانسته شده است. همچنین، بر پایه برخی آیات واژه «ام» در معنای مجازی به کاررفته است، مثلاً مطابق آیه ۲۳ سوره نساء، مادر رضاعی، مادر دانسته شده است، در حالی که مادر رضاعی صرفاً به کودک متولد شده شیر می‌دهد: «زنانی که شما را شیر داده‌اند... بر شما حرام شده‌اند».^۲ آیه ششم سوره احزاب نیز به صراحت، همسران پیامبر را مادران مؤمنان معرفی می‌کند: «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاتر است و زنان مادران مؤمنان هستند».^۳

بدین ترتیب، از سویی با توجه به دو آیه پیش گفته، به ویژه آیه ششم سوره احزاب، باید گفت آیه دوم سوره مجادله بر حصر حقیقی دلالتی ندارد و نمی‌توان آن را دارای مفهوم مخالف دانست؛ حتی نمی‌توان زن دهنده تخمک را مادر دانست. از سوی دیگر، آیه دوم سوره احزاب قطعاً در مقام پاسداشت مقام و منزلت پیامبر و همسران ایشان و احترام به ایشان است. از این رو، برخی دیگر از صاحب نظران به آیه دیگری توجه کرده‌اند. به باور این دسته، آیه ۷۵ سوره انفال^۴ مادر را زن صاحب رحم می‌داند. بدین استدلال که «ارحام» جمع «رحم» و به معنای «قرابت» است. به دیگر سخن «أولوا الأرحام» استعاره از خویشاوندانی است که از یک رحم زاده شده‌اند (سیستانی، ۱۴۲۸ق: ۴۵۰) بالاخره برخی از فقیهان، زن صاحب رحم را جزء اخیر علت تامه به دنیا آمدن بچه دانسته، اولاد را ملحق به زن صاحب رحم می‌دانند. (اراکی، ۱۳۷۳: ۵۹۸)

۴. یَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ. (زمر: ۶)

۵. حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ... أُمَّهَاتُكُمْ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ... (نساء: ۲۳)

۶. النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ. (احزاب: ۶)

۷. وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي

كِتَابِ اللَّهِ. (انفال: ۷)



بنابراین، آیه دوم سوره مجادله در مقام نفی مطلق مادر بودن نیست که بخواهد بگوید، مادر فقط به مادر تولیدی می‌گویند و به دیگران مادر گفته نمی‌شود، بلکه تنها در مقام رفع تخیلظهار کننده است که فکر می‌کرد با این تشبیه، همسر در تمام احکام و حقوق و نسب مانند مادر حقیقی است، لذا گفته می‌شود مادر حقیقی، حکم، حقوق و نسب دارد و مادر غیرحقیقی که اصطلاحاً کلمه «ام» بر او اطلاق می‌شود، مانند مادر رضاعی و مادر پرورشیظهاری دارای احکامی است، اما حقوق ندارد.

قابل توجه اینکه در فرهنگ عربی لفظ «ام»، لفظی عام و فراگیر نیست. در زبان عربی به هر والدهای «ام» گفته می‌شود، اما به هر «امی» والده گفته نمی‌شود. لفظ «ام» به والده، مرضعه، مریبه و امثال آن اطلاق می‌شود. نسبت لفظ «ام» و «والده» عموم و خصوص مطلق است (بطحائی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۳۸۵) و آیه این توهم را برطرف می‌کند و بیان می‌دارد که زن، باظهار شوهرش، مادر او نمی‌شود و زوجه همان زوجه است و مادر نمی‌شود و مادر نیز کسی است که انسان را ولود نموده و به وجود آورده است. (فروزان فر، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

آیت‌الله سیستانی نیز در *منهاج‌الصالحین* و آیت‌الله بهجت قائل به احتیاط در مادر بودن صاحب نطفه یا صاحب رحم هستند. (سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۶۲) برخی نیز مانند مرحوم اراکی معتقدند که اگرچه نطفه زن صاحب تخمک به رحم زن دوم داخل شده ولی رحم زن دومی جزء اخیر علت تامه به دنیا آمدن بچه بوده است، پس اولاد، ملحق به دومی یعنی زن صاحب رحم است. (اراک، بی‌تا: ۵۹۸) با این استناد که صاحب رحم جنین را پرورش می‌دهد و جنین بدون استفاده از رحم زن قابل تکون نیست. همچنین ملاک مادر بودن از دیدگاه عرف به‌ویژه عرف عام، به وجود آمدن کودک از تخمک زن نیست، بلکه حمل و ولادت کودک و بارداری آن تا تولد در نگاه عرف، به ویژه عرف صدر اسلام بیشتر مدنظر بوده و شاید به همین دلیل است که در روایات به مادر حقیقی لفظ «ام» (به معنای اعم شامل مرضعه و حاضنه اطلاق) می‌شده است و نیز نمی‌توان تأثیر رحم را در خلقت و تکون کودک نادیده گرفت و تأثیر آن کمتر از وجود تخمک نیست. (فیض‌الهی، ۱۳۸۹: ۱۶۷-۱۶۶)

۲. انتساب جنین به صاحب تخمک

از میان آیات قرآن، آیه اول سوره نساء و آیه دوم سوره مجادله، مادر را زن دهنده تخمک می‌داند: «ای مردم، بترسید از پروردگارتان، آنکه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد».^۱

نحوه دلالت آیه بدین گونه است که «بَثَّ مِنْهُمَا» بیانگر منشأ تکاثر و تولد و انتشار است و زن و مرد را در تولد فرزند سهیم می‌داند. بنابراین از این منظر، رحم زن صرفاً یک ظرف و محلی برای نگهداری فرزند است و تخمک زن نیز مانند اسپرم مرد در تولد فرزند نقش دارد، از این رو حرف «منهما» در ادامه فعل «بَثَّ» آمده تا بر نقش زن در پیدایش فرزند تأکید کند، چه اگر زن نقشی در پیدایش و تکوین بچه نمی‌داشت، حرف «منهما» نباید در ادامه آیه می‌آمد. (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۱۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۴۶)

آیات ۵۴ سوره فرقان و آیه دوم سوره انسان نیز چنین برداشتی را تأیید می‌کند، زیرا در آیه ۵۴ سوره فرقان^۲ به نقش آب در خلقت بشر اشاره می‌کند و در آیه دوم سوره انسان،^۳ بر مختلط بودن نطفه تأکید می‌کند که در واقع، منظور اختلاط اسپرم و تخمک و نقش آن دو در تولد است. (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۱۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۵) البته دستاوردهای پزشکی نیز کودک را نتیجه آمیخته شدن اسپرم پدر و تخمک مادر می‌داند و هیچ نقش کلیدی و اصلی برای رحم مادر جانشین قائل نیست. عرف نیز صاحب نطفه را مادر طفل می‌داند و تشابه تخمک با اسپرم مرد نیز مؤید آن است، زیرا همان گونه که صاحب اسپرم، پدر کودک به شمار می‌آید، طبعاً صاحب تخمک نیز مادر به شمار خواهد رفت. (ناصری مقدم، ۱۳۸۷: ۱۶۱)

افزون بر این، مطابق آیه دوم سوره مجادله، مادر کسی است که طفل را متولد می‌سازد و ولادت در فارسی یعنی «بچه‌دار شدن» که با «زاییدن» متفاوت است، زیرا معادل واژه فارسی زایمان، کلمه وضع در فرهنگ قرآن است که در آیه ۳۶ سوره

۱. یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحدةٍ و خلقَ منهما زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا کَثِیرًا وَ

نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ انَّ اللَّهَ کَانَ عَلَیْکُمْ رَقِیبًا. (نساء: ۱)

۲. هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا. (فرقان: ۵۴)

۳. اَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ. (انسان: ۲)



آل عمران بیان می‌دارد: «پس چون او را بزاد، گفت: پروردگارا، من او را دختر آوردم و خدا به آنچه او زاییده داناتر بود».^۱ بنابراین با توجه به تفاوت دو واژه تولد و وضع، معلوم می‌شود آنچه اساس انتساب است، تکون و تولد است و از این نگاه کسی که منشأ تولد طفل بوده (دهنده تخمک) مادر به شمار می‌آید و زن صاحب رحم، مادر نیست. (سیستانی، ۱۴۲۸ق: ۴۳۷) این نگرش حتی به برخی از روایات ضعیف نیز رسوخ کرده است، به گونه‌ای که در آن، زن صاحب رحم، وعاء یا ظرف دانسته شده است. مانند روایت عبدالله بن هلال که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که با فرزند زنا ازدواج می‌کند پرسیدم، فرمود: اشکالی ندارد، این کار به خاطر خوف و ننگ و عار مکروه است و همانا فرزند مال مرد است و زن ظرف (وعاء) است.^۲

برخی از صاحب نظران و فقیهان از جمله آیت الله مکارم شیرازی در بحث رحم جایگزین، زن دهنده تخمک را مادر می‌دانند و به آیه دوم سوره مجادله استناد می‌کنند. آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این پرسش که اگر کودکی در رحم مادر جانشین بزرگ شده، اما دارای صفات وراثتی زن اول باشد، با توجه به آیه دوم سوره مجادله (آیات ظهار) به کدام یک از این دو زن تعلق دارد، می‌گوید:

این فرزند متعلق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است... و در مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی است، بلکه از آن در بعضی جهات اولویت دارد چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است. بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند و... (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج: ۲، ۴۶۲)

برخی از فقها و حقوق دانان باور دارند که در بحث رحم جایگزین، بین زنی که طفل در رحم او رشد و نمو یافته و کودک، نسب قانونی وجود نخواهد داشت، زیرا آنچه باعث بروز نسب قانونی می‌شود وجود تخمک است و زنی که جنین را در رحم پرورانده و تخمک او نقشی در پیدایش جنین نداشته، مادر دانسته نمی‌شود (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۸۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۱: ۷) زیرا زن صاحب رحم صرفاً اجیری است که برای پروراندن جنین اجرت دریافت می‌کند. (مهرپور، ۱۳۸۰: ۱۷۱؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۸۱) افزون بر این، از دیدگاه عرفی ملاک مادر بودن همان ملاک حاکم بر شناسایی

۴. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ... (آل عمران: ۳۶)

۵. ثعلبة بن ميمون عن عبدالله بن هلال عن أبي عبدالله عليه السلام في الرجل يتزوج وكد الزنى قال لابس إنما يكره ذلك مخافة العار وإنما الولد للصلب وإنما المرأة وعاء. (به نقل از سیستانی، ۱۴۲۸ق: ۴۲۹)

پدر است و آن اینکه نخستین مرحله آفرینش کودک از آب مادر است. وقتی که فرض بر این باشد که نطفه این کودک که مبدأ آفرینش و انعقاد اوست، حاصل لقاح دو آب است، بنابراین نخستین مرحله وجود کودک از صاحبان منی و تخمک گرفته شده است، ولی تغذیه و ادامه رشد و حیات کودک که بعد از این مرحله صورت می‌گیرد، جز رشد و تکوین نقش دیگری ندارد. غذایی که کودک در داخل رحم زن با آن تغذیه می‌شود همانند غذایی است که پس از تولد و بیرون آمدن از رحم تغذیه می‌کند. به این معنا که این تغذیه موجب نمی‌شود که کودک را از حالت فرزند بودن برای صاحبان منی و تخمک بیرون آورد. (مؤمن، ۱۳۸۰: ۶۳) فقهای معاصر از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله مکارم شیرازی و تعداد دیگری از فقها، زن دهنده تخمک را مادر می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۲۷۵؛ نرم‌افزار گنجینه آراء فقهی-قضایی؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۹۶)

۳. انتساب جنین به صاحب تخمک و صاحب رحم

در چندین آیه از آیات قرآن برای تحقق عنوان مادر جمع شدن هر دو عنوان صاحب تخمک و صاحب رحم لازم دانسته شده است و بنابراین مادر، کسی است که با دادن تخمک، صفات ژنتیکی را انتقال دهد و جنین را در رحم خود پروراند، آن را به دنیا آورد. پس اگر زنی، تخمک بدهد و زن دیگر، جنین را در رحم پروراند و آن را به دنیا آورد، هیچ‌یک از آن دو مادر طفل به شمار نمی‌آیند (ابوزید، بی‌تا: ۴۳۶)

آیه ۱۴ سوره لقمان،^۱ آیه ۱۵ احقاف،^۲ آیه ۶ زمر،^۳ آیه ۳۲ سوره نجم و آیه ۷۸ سوره نحل^۴ مادر را کسی می‌داند که تخمک او با اسپرم مخلوط شده، موجب بارداری و تشکیل جنین می‌شود و پس از پروراندن جنین در رحم، طفل را به دنیا می‌آورد و به او شیر می‌دهد. البته با اندکی تأمل می‌توان در پاسخ به این استدلال گفت که آیات قرآن

۱. «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوْلَدَيْهِ حَمَلْتُهُ أُمُّهُ وَهَنَّا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَضَّلْنَاهُ فِي عَامِنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لَوْلَا دَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ..»

۲. «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوْلَدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتُهُ كُرْهًا وَفَضَّلْنَاهُ نَلَأْتُونَ شَهْرًا».

۱. «وَإِذْ أَنْتُمْ أُمَّهَاتُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ».

۲. «يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ».

۳. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَاتَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».



ناظر به تولد طبیعی فرزند است و ناظر به حکم شیوه‌های نوین باروری نیست. بنابراین منافی مادر دانستن زن صاحب رحم و یا دهنده تخمک نیز نخواهد بود. از این رو برخی از صاحب‌نظران هر دو زنی را که در پیدایش طفل نقش داشته‌اند، مادر می‌دانند، زیرا در جریان پیدایش طفل در حالت طبیعی مادر دو نقش مهم را ایفا می‌کند؛ از نظر ژنتیکی نیمی از سهم متعلق به مادر است و از نظر فیزیولوژیکی تمام سهم از آن مادر است که هرگاه در یکی از آنها خللی وارد شود، تولید مثل امکان نخواهد داشت. بنابراین، ترجیح یکی از دو نقش نسبت به دیگری و وابسته دانستن نسب به یکی از آنها نیازمند دلیل است. (به نقل از مرقاتی، ۱۳۸۳: ۱۴۴؛ قربان‌نیا، ۱۳۸۰: ۳۶۹)

در میان فقهبان معاصر شیعه آیت‌الله فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۰۲) و نیز آیت‌الله موسوی اردبیلی این دیدگاه را دارند. آیت‌الله موسوی اردبیلی معتقد است: «به اعتقاد ما هر دو امر واقعی و نفس‌الامر می‌تواند منشأ اعتبار باشد، یعنی هم زن صاحب تخمک و هم زنی که جنین را در رحم خود پرورش داده است منشاء اعتبارند و هر دو، مادر طفل به شمار می‌آیند و اشکالی بر آن مترتب نیست» (به نقل از مرقاتی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) البته برخی از فقهای اهل سنت نیز ضمن پذیرفتن مادر بودن هر دو زن دهنده تخمک و صاحب رحم، زن صاحب رحم را مادر رضاعی طفل دانسته‌اند. (عبدالرحمن، ۱۴۱۸ق: ۱۵۲)

نتیجه

نسب جنین اهدایی از جمله موضوعاتی است که در قانون نحوه اهدای جنین مبهم مانده و محققان تلاش کرده‌اند تا این موضوع و ابعاد آن را بررسی کنند. تلاش در جهت زدودن ابهام از زوایای مبهم این موضوع مستلزم کاویدن منابع فقهی است. در این تلاش باید به وضعیت جنین اهدایی و نوپدید بودن موضوع نیز توجه کرد. در بحث جنین اهدایی باید توجه داشت که برخی از اشکال آن از جمله مخلوط کردن اسپرم پدر با اسپرم مرد بیگانه و تلقیح آن در کشور رایج نیست. با این همه، گاهی جنین، حاصل اختلاط تخمک مادر با تخمک زن بیگانه است و کودک در رحم مادر رشد می‌کند و گاه حتی رحم مادر ظرفیت پرورش جنین را ندارد و تخمک و اسپرم پدر و مادر به رحم زن دیگری منتقل می‌شود که در همه فروض، والدین اصلی صاحبان تخمک و اسپرم (والدین ژنتیکی) هستند و نسب جنین اهدایی را می‌توان به پدر و مادر ژنتیکی او ملحق دانست.



منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بيروت: دار الفكر لطباعه و النشر و التوزيع دارالصور.
- ابوزيد، بكر بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، *طرق الانجاب في الطب الحديث و حكمها الشرعي*، مجله مجمع الفقه الاسلامي، ش ۳، جزء اول.
- الگزاندر نيومن دور لند، ويليام (۱۳۸۴)، *فرهنگ پزشکی دور لند (انگلیسی فارسی)*، متن فارسی: بهرام قاضی جهانی و آیدین تبریزی، تهران: انتشارات گلپان با همکاری آریا طب و قاضی جهان.
- اراکی، محمد علی (۱۳۷۳)، *مجموعه استفتائات*، [بی جا] انتشارات معروف.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۰)، *حقوق مدنی*، تهران: اسلامیه.
- _____ (۱۳۸۵)، *حقوق مدنی اشخاص و اموال*، تهران: اسلامیه.
- بطحائی گلپایگانی، سید هاشم (۱۳۸۰)، *تحقیقی پیرامون تولد بدون مناکحت*، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، تهران: سمت / پژوهشکده ابن سینا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۸ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲)، *رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی)*، تهران: انتشارات بین المللی هدی.
- خمینی، سید روح الله (بی تا)، *تحریر الوسیله*، قم: دارالعلم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۴، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رجحان، محمد صادق (۱۳۷۶)، *چنین شناسی کامل پزشکی*، تهران: سماط.
- سلیمانی راد، جعفر (۱۳۷۲)، *چنین شناسی پزشکی*، تبریز: ستوده.
- سیاح، احمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، ترجمه المنجد، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷ق)، *منهاج الصالحین*، قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
- سیستانی، محمد رضا (۱۴۲۸ق)، *وسائل الانجاب الصناعیه*، بیروت: دارالمورخ العربی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰)، *ارث*، تهران: مجد.
- _____ (۱۳۸۵)، *مجموعه مقالات حقوقی*، ج ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۱)، *استفتائات*، مجله رهنمون، ش ۳-۲.



- صانعی، یوسف (۱۳۷۶)، *مجمع المسائل*، قم: انتشارات میثم تمار.
- _____ (۱۳۸۴)، *استفتائات قضایی*، تهران: میزان.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۶)، *حقوق خانواده*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۹ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عبدالرحمن، یحیی (۱۴۱۸ق)، *احکام المرأة الحامل فی الشریعه الاسلامیه*، اردن: دارالنفائس.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، «*قسط مصنوعی*»، مجموعه مقالات و گفتارهای سومین همایش دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۰)، *جامع المسائل*، قم: امیر علم.
- فرزانه فر، مجتبی و رسول مزروعی (۱۳۸۴)، *برخی از احکام تکلیفی و وضعیه تلقیح مصنوعی و طفل متولد از آن*، قم: قضا.
- فیض الهی، نجات (۱۳۸۹)، *اهدای جنین و دیگر روش‌های باروری کمکی در حقوق ایران*، تهران: جنگل.
- قائی، محمد (۱۴۲۴ق)، *المبسوط فی فقه المسائل المعاصره: المسائل الطبیه*، قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- قبله‌ای خوبی، خلیل (۱۳۸۰)، *بررسی مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین*، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، تهران: سمت / پژوهشکده ابن سینا.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۴)، «*حکم تکلیفی و وضعی انتقال جنین تکون یافته از اسپرم و تخمک زن و شوهر قانونی به رحم زن دیگر*»، روش‌های نوین تولید مثل انسانی - از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، تهران: سمت / پژوهشکده ابن سینا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی* (درس‌هایی از شفعه، وصیت‌ارث)، تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الاسلامیه)*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرجی، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۹۲)، *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران: دانشگاه تهران.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۳۶۳)، *مجمع المسائل*، قم: دارالقرآن الکریم.
- گواهی، زهرا (۱۳۸۷)، «*بررسی احکام وضعی استفاده از رحم جایگزین*»، مجموعه مقالات رحم جایگزین، ج ۲، تهران: پژوهشکده ابن سینا / سمت.



- مرقاتی، طه (۱۳۸۳)، «نسب ناشی از لقاح مصنوعی با دخالت عامل بیگانه»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، *استفتائات جدید*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- _____ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۰)، «نگرشی به وضعیت حقوقی و شرعی باروری مصنوعی»، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، تهران: سمت / پژوهشکده ابن سینا.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، *المسائل الشرعیه*، قم: موسسه الامام الخوئی الخیریه.
- مؤمن، محمد (۱۳۸۰)، «سخنی درباره تلقیح»، ترجمه موسی دانش، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، تهران: سمت / پژوهشکده ابن سینا.
- ناصری مقدم، حسین (۱۳۸۷)، «واکاوی احکام فقهی نسب در کودک متولد از رحم جایگزین»، مجموعه مقالات رحم جایگزین، تهران: سمت / پژوهشکده ابن سینا.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی